

فرایند تربیت سیاسی در نظام اسلامی

محمد حسین خلوصی

سطح چهار جامعه المصطفی العالمیه، دکترای فلسفه سیاسی اسلامی،
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ایران، قم.

m.khooloosi@yahoo.com

چکیده

تربیت سیاسی در نظام سیاسی برخاسته از دین، متشکل از مبانی، اصول و اهداف است که متون دینی در تدوین آن نقش اساسی دارند. اهداف تربیت سیاسی با رویکرد اسلامی را از زوایای گوناگون می‌توان بررسی کرد. بررسی تربیت سیاسی با توجه به مراحل سنی افراد، کاربردی‌تر است. در این چارچوب تربیت سیاسی به عنوان فرایندی از امور غیرسیاسی آغاز می‌شود و سپس به مراحل بسیط‌تری از این امور می‌انجامد و سرانجام با پختگی سنی فرد، تربیت سیاسی نیز به طور مستقیم سیاسی می‌شود و مراحل عمیق‌تر آن تدوین می‌گردد. تربیت سیاسی در زمان کودکی به طور مستقیم سیاسی نیست. در دوره نوجوانی، فعالیت‌های سیاسی بسیط و آشناسازی با سیاست کانون توجه قرار می‌گیرد. در آغاز دوره جوانی فرد به عنوان شهروند وارد حوزه سیاسی می‌شود و در سیاست مشارکت می‌کند. در دوره بزرگسالی، فرد از رابطه‌ای دوسویه و متقابل میان خود و دولت برخوردار می‌شود و می‌کوشد در این تبادل فکر و عمل، سیاست به مطلوبیت‌های واقعی خود نزدیک و نزدیک‌تر گردد. در این مقاله، در ویژگی‌های سنی عمدتاً از منابعی با روش‌های

تجربی تدوین گشته و در تعیین اهداف سیاسی مربوط به یک مقطع سنی، از منابع دینی استفاده شده است.

کلیدواژگان: سیاست، تربیت سیاسی، مشارکت سیاسی، بصیرت، مشورت، نصیحت.

مقدمه

حکومت دینی و سامان‌دهی جامعه مطلوب، پیش از همه به اعضایی نیازمند است که متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای آن جامعه تربیت شده‌اند. تربیت هم عامل موجد یک جامعه بسامان است و هم علت مبقیه آن. تربیت سیاسی فراگردی است مداوم، تکاملی و رشددهنده که نتیجه آن، رسیدن به کمال مطلوب و بلوغ سیاسی جامعه با توجه به فرهنگ سیاسی است. براین اساس تربیت سیاسی می‌کوشد ارزش‌های بنیادین سیاسی در یک جامعه را در ذهن و رفتار شهروندان نهادینه کند. تربیت عاملی است که می‌تواند همه اصلاحات لازم را با توجه به اهداف از پیش ترسیم شده، محقق سازد. این اهداف متناسب با دوره‌های زندگی افراد در این بخش سازمان‌دهی شده‌اند و چون با فرایند رشد انسان، به صورت تطبیقی بررسی می‌شوند، همانند خود مقوله رشد، از جایگاه فرایندی برخوردارند. تربیت سیاسی متشکل از مبانی، اصول و اهداف است که همگی بر اساس دیدگاه کلان در حوزه سیاست و جامعه قرار دارند. از سوی دیگر یکی از اهداف مهم دین و به‌ویژه دین اسلام، تربیت و تزکیه افراد عنوان شده است. ورود دین در حوزه سیاست و تسلط آن در کل قلمرو زندگی بشری، می‌طلبد که هر یک از علوم انسانی، مطابق با دستورها و مؤلفه‌های مشخص شده در دین در این حوزه، بازسازی شوند. از آنجاکه دین تربیت را هدفی بنیادین در رسالت انبیا و انزال وحی می‌داند، منابع دینی درباره تربیت از غنای خوبی برخوردارند که می‌توان با استفاده از این منابع، تربیت مطلوب را اصطیاد کرد. در این مقاله ما صرفاً به فرایند تربیت سیاسی از نظر اسلام توجه داریم و این فرضیه را به آزمون می‌گذاریم: «تربیت سیاسی متناسب با سنین شهروندان تجزیه شده و از حوزه‌های بسیط آغاز می‌گردد. همراه با رشد سنی و فکری فرد است که تربیت نیز عمیق‌تر و مستقیم‌تر می‌گردد. برآیند مجموعه‌ای از این اهداف، کلیتی از تربیت سیاسی را ترسیم می‌کند که نظام سیاسی در صدد تأمین آن است».

با استفاده از متون دینی و برخی تجارب انسانی، به‌ویژه در دوره‌بندی‌های سنی انسان و ویژگی‌های رشد انسانی، تلاش می‌شود که این فرضیه اثبات گردد. چهار دوره کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگ‌سالی دوره‌هایی هستند که اهداف تربیتی در حوزه سیاست، متناسب با آنها بررسی خواهد شد.

۱. دوره کودکی

دوره کودکی که بدو تولد تا سن دوازده سالگی را در بر می‌گیرد به دو مقطع تفکیک می‌شود که به دوره کودکی اول و دوم طبقه‌بندی می‌نمایند. این تفکیک از آن رو اهمیت دارد که در مقطع نخست، خانه محل تربیت کودک است و در مقطع دوم، محیط‌های بیرون از خانه چون مدرسه نیز در تربیت کودک نقش دارند. برخی ویژگی‌های رشد کودک نیز در این دو مقطع با تفاوت‌هایی همراه است. درک تربیت کودک، اهمیت والایی دارد؛ زیرا او در این زمان، همانند مزرعه‌ای است که آمادگی پذیرش هر نوع بذری را دارد. در حدیثی از پیامبر اسلام ۶ اهمیت این مقطع زمانی این‌گونه کانون توجه قرار گرفته است: «هر فرزند بر فطرت متولد می‌شود و ثانیاً پدر و مادرش او را یهود یا نصارا و یا مجوس می‌نمایند» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۹). تجربیات اجتماعی و تاریخی و تأکید نظریه‌های اجتماعی معاصر، همگی بر این اصل استوارند که سال‌های اولیه زندگی کودک در شکل بخشیدن به شخصیت او و کسب نگرش‌های اجتماعی و سیاسی و ارزش‌های فرهنگی، سال‌های حساس و مهمی هستند. انسان‌شناسان فرهنگی و روان‌کاوان اجتماعی که با موضوع پرورش و توسعه شخصیت کودک و کسب ارزش‌های اجتماعی سروکار دارند، سال‌های اولیه زندگی کودک را در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی وی عامل اساسی می‌دانند (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۶۰).

کودک در سنین بدو تولد تا هفت سالگی از این ویژگی‌های رشد برخوردار است:

۱. احساس شدید شخصیت: کودکان با ابزارهایی چون مهارت عمومی بدن و جلب حمایت و تمجید از دیگران، شخصیت خود را به دیگران نمایش می‌دهند. کودک حرکات اطرافیان را به صورت دقیق زیر نظر دارد و با توجه به این تشویق‌ها و تمجیدها و... حرکت‌های دلربانه خود را تنظیم می‌کند؛
۲. تقلید از دیگران: این ویژگی به‌ویژه در سن پنج تا هفت سالگی بسیار قوی می‌گردد؛
۳. درک نخستین تصاویر از جهان: کودک با پرسش‌هایی که از اطرافیان خود می‌کند، برداشت‌هایش را از جهان شکل می‌دهد و به این ترتیب جهان‌بینی ابتدایی‌اش شکل می‌گیرد؛

۴. بازی: در این دوره، بازی فعالیت اساسی کودک است که از پنج سالگی به بعد قوی‌تر و رفته‌رفته متنوع‌تر می‌گردد (دبس، ۱۳۷۴، ص ۳۹).

باید توجه کرد که برای حفظ و نگهداری یک فرهنگ سیاسی و تضمین تداوم آن، کودکان بزرگ‌ترین و شاید مهم‌ترین گروه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. این مسئله مهم می‌طلبد که آنان باید بر اساس ارزش‌های سیاسی یک نظام سیاسی جامعه‌پذیر شوند (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۵۰). تربیت

سیاسی کودک در این زمان، در واقع غیر مستقیم است. کودک مسائلی را در زمینه‌های سیاسی می‌آموزد که در اصل سیاسی نیستند، ولی تمایلاتی در او رقم می‌زند که بر توسعه خود سیاسی او، اثرات چشمگیری می‌گذارد؛ به گونه‌ای که این اثرات در سال‌های اولیه، منجر به پیشرفت گرایش‌هایی می‌شود که بعدها و در طول زندگی او، در جهت اهداف سیاسی به کار گرفته می‌شوند. این اثرپذیری‌ها همچنین بر گرایش‌هایی که کودک بعدها کسب می‌کند، اثرات قاطعی می‌نهد و آنها را شکل می‌دهد (همان، ص ۷۵). بر این اساس اهدافی که در ادامه بر شمرده می‌شود، در این مقطع سنی اهمیت دارند؛ زیرا کودک در آینده نقشی سیاسی در جامعه ایفا می‌کند. این نقش ممکن است در جایگاه انجام مسئولیت سیاسی و اجتماعی باشد و یا دست‌کم شخص در جایگاه شهروند قرار گیرد.

۱-۱. حسن ادب و عادات نیک

نخستین هدف در این مقطع سنی با توجه به بعد روانی کودک، نهادینه کردن ارزش‌ها در وجود وی به عنوان عادت است که برخی از این ارزش‌ها سیاسی هستند و یا در آینده، اهمیت فزاینده سیاسی دارند. در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ حسن ادب به عنوان یکی از حقوق کودکان بر والدین یاد شده است (ری شهری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲). چه بهتر که تربیت به گونه‌ای عادت‌دهی شود تا ماندگاری بیشتری داشته باشد. امام علی علیه السلام فرمود: «العادة طبع ثانياً؛ عادت طبیعت دومی است» (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۲۶). همچنین امام در باره تربیت خود توسط پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَلَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ أَتْبَاعَ الْفَصِيلِ أَتْرَأْمُهُ يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَيَأْمُرُنِي بِالْإِقْتِدَاءِ بِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). قرآن مجید به پیامبر دستور می‌دهد: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه، ۱۳۲) که در آن به پافشاری کردن بر انجام نماز توجه شده است.

عادت‌دهی کودکان به کارهای نیک حتماً باید از همان ابتدایی دوران کودکی آغاز شود؛ زیرا کودک خالی‌الذهن است و آمادگی بیشتری برای تربیت دارد؛ اما باید توان و اندازه درک کودک را در نظر گرفت و تأکید بر آن است که این فرایند به طور غیر مستقیم صورت گیرد. امام علی علیه السلام به فرزندش می‌نویسد که پیش از آنکه قلبت سخت گردد و اشتغال‌های فراوان ذهن تو را فرا گیرد، به تأدیب تو پرداختم (نهج البلاغه، نامه ۳۱). امام صادق علیه السلام نیز از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره مؤمنانی که کودکان خود را در انجام کارهای نیک یاری می‌کنند، چنین روایت کرده است: «رحم الله من اعان ولده علی بره» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۱، ص ۴۵۰).

ممکن است بحث درباره تربیت عقلی و اخلاقی کودک در دوره شیرخوارگی مبالغه‌آمیز به نظر

برسد؛ اما در این دوره دو حس در کودک ظاهر می‌شود: هوش حسی (حرکتی که از طریق یافتن راه‌حل‌های خاص انطباق طفل را با اوضاع جدید میسر می‌سازد) و هوش زبانی که به علامات یعنی کلمات مرتبط است. در طی سه سال نخست اخلاق و رفتار کودک در برابر مادر و پدر و برادران و خواهران خود و اشخاص بیگانه هنوز به صورت ثابت درنیامده است؛ اما پس از این رفته‌رفته صورتی ویژه به خود می‌گیرد و به مسیری معین می‌افتد (دبس، ۱۳۷۴، ص ۳۱). از سه‌سالگی به بعد رفتارها شکل عادت به خود می‌گیرند و در این زمان دشواری بزرگ کار مربی این است که با مجموعه عادات اخلاقی، میان جنبه طبیعی و هوسبازانه و طغیان‌های غریزی کودک تعادلی ایجاد کند. باید متوجه بود که اخلاق مبتنی بر عادت، هرچند بر اثر محبت تلطیف شده باشد، صورت بسیار ابتدایی از اخلاق اجتماعی است؛ ولی تنها اخلاق ممکن در این مرحله است (همان، ص ۶۱).

چنین وضعیتی از دو لحاظ اهمیت دارد:

۱. تلاش برای انتقال سجایای اخلاقی صحیح؛ زیرا کودک خود قادر به درک صحت و وسقم ارزش‌های ارائه‌شده نیست؛

۲. اولویت‌سنجی و ترتیب‌دهی منظم از ارزش‌ها تا از همان آغاز توجه داشته باشد که بسیاری از سجایای اخلاقی ارائه‌شده به او، از اعتبار و منزلتی بالا برخوردارند.

عادت دادن کودک به سجایای اخلاقی، در واقع راهی است برای انتقال فرهنگ سیاسی جامعه به او. کودک باید با سازوکارهایی چون تشویق و تنبیه، بیاموزد که برخی رفتارهای غریزی و طبیعی خود را ترک کند و به برخی دیگر بیشتر اهمیت دهد و رفتارهای مناسب و مطلوب اجتماعی را بشناسد (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۵۶). اگر بتوان این فرایند را به گونه‌ای مطلوب طی کرد و کودک را در این دوره زمانی و با این سنجایا پرورش داد، به گونه‌ی بارزی در مراحل سنی بالاتر با ناهنجاری‌های کمتری مواجه خواهد بود. امام علی علیه السلام خطاب به فرزندش، تربیت وی را چنین بازگو می‌کند: «و [در تربیت تو] از آموزش قرآن کریم و تفسیر آن و آموزش احکام اسلامی و حلال و حرام آن آغاز کردم» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). آن حضرت خطاب به پسرش محمد حنفیه، چنین فرمود: «فرزندم، به همه انسان‌ها نیکی کن؛ همان‌گونه که انتظار داری نسبت به تو نیکی کنند. آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران پسند و آنچه از دیگران زشت و ناپسند می‌شماری، برای آنان نیز زشت و ناپسند شمار» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۵۴۱).

اما چه ارزش‌هایی را باید به عنوان عادت به کودکان منتقل کرد؟ چنان‌که پیش‌تر گفته شد، در این دوره اهداف مستقیماً سیاسی وجود ندارد، بلکه تربیت سیاسی به شکل غیر مستقیم صورت می‌گیرد. از این رو آن دسته از ارزش‌های سیاسی‌ای که از سویی در عرصه سیاست مهم هستند و از

سوی دیگر برای کودکان مراتب سهل تری دارند، در اولویت قرار می‌گیرند. در این میان ارزش‌هایی نیز هستند که به طور مشخص باید در آموزش و تربیت کودکان کانون توجه قرار گیرند و البته محدود به اهداف سیاسی نیستند؛ چنان‌که بریده از آن نیز نمی‌باشند. حسن ادب، آموزش وحدانیت الهی، نبوت پیامبر اسلام ﷺ امامت و محبت اهل بیت علیهم‌السلام و تعلیم قرائت قرآن از محورهای هستند که آموزششان در اوایل دوران کودکی، به طور خاص مورد تأکید احادیث است (ر.ک: ری شهری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸).

به‌علاوه برخی دیگر از سجایای اخلاقی وجود دارند که در تربیت سیاسی کودک در آینده مهم به نظر می‌رسند: احترام به والدین، احترام بزرگان و مربیان، رعایت حقوق دیگران، حفظ آداب و شئون، پرهیز از بدزبانی و لجاجت، قناعت و ساده‌زیستی، پرهیز از اسراف، رازداری و دوری از عافیت طلبی، صداقت و پرهیز از دروغ، حمایت از مظلوم و ناسازگاری با ظلم، برخی ارزش‌های مهمی هستند که در آینده تأثیرات بزرگ سیاسی از خود به جا می‌گذارند. از این‌رو بر متصدیان تربیتی لازم است تا به گونه‌ای صحیح این ارزش‌ها را به کودک منتقل کنند و او را با این سجایا پرورش دهند.

باید به این نکته نیز توجه کرد که تربیت کودک در هفت سال نخست، باید به‌دور از هر گونه اجبار باشد. در این مقطع سنی چنان‌که پیامبر اسلام ﷺ فرمود، کودکان نیازمند آزادی بیشتر هستند: «الْوَلَدُ سِیدٌ سَبَعٌ سَنِینَ وَعَبْدٌ سَبَعٌ سَنِینَ وَوَزیرٌ سَبَعٌ سَنِینَ» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۷۴). برای تأثیرگذاری بیشتر، کودکان باید به‌وضوح ببینند که این ارزش‌ها در خانه و خانواده و رسانه‌ها جایگاهی محکم دارند؛ زیرا کودک در عادت کردن به رفتارها ابتدا رفتاری را می‌بیند، آن را انجام می‌دهد و نتیجه‌ای می‌گیرد سپس آن را تکرار می‌کند و به صورت عادت درمی‌آورد (احمدی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۹). برای نمونه اگر در خانه برخورد والدین با کودک با انعطاف‌پذیری و ملایمت همراه باشد، تصویری که کودک از رهبران سیاسی و چگونگی اقتدار آنان خواهد داشت، تصویری انعطاف‌پذیر و آزادی‌خواهانه است. برعکس چنانچه والدین افرادی سخت‌گیر و متعصب باشند، تصویر ذهنی کودک از مسئولان و رهبران سیاسی به همان نسبت انعطاف‌ناپذیر و سخت‌گیرانه خواهد بود (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۷۶).

۲-۱. معرفی الگوهای مناسب

به سبب برانگیخته شدن حس تقلید در کودکان، معرفی الگوهای مناسب برای کودکان در این زمان نقش بسیار مهم سیاسی در آینده دارد. اگر خویشتن سیاسی در کودک وجود داشته باشد و یا در

آینده چنین خویشتنی ایجاد شود، ساخت مطلوب این موضوع از طریق معرفی الگوهای مناسب در کودکان صورت می‌گیرد. الگوهای زندگی، اسطوره‌ای و حتی بازی‌های کودکان به گونه‌ای باید گزینش شوند که ارزش‌های سیاسی در درون آنها به نحو غیرمستقیم گنجانیده شده باشد.

۱-۲-۱. والدین

در آغاز تولد کودک، والدین هستند که نقش الگوهی به کودک را دارند. رفتار آنان به عنوان سرمشق رفتاری کودک صورت‌بندی می‌شود. از این‌رو توجه والدین بر این امر از اهمیت بسزایی برخوردار است. امام کاظم علیه السلام فرمود: «یحفظ الاطفال بصلاح آبائهم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۲۳۶). گفتنی است که بسیاری از رفتارهای غیرسیاسی والدین در آینده، نتایج بسیار مهم سیاسی برای کودکان خواهد داشت. برای نمونه کودکی که در کنار چند والدین غیرحقیقی به صورت متناوب بزرگ می‌شود، عملاً عدم اعتماد به بزرگ‌سالان را آموزش می‌بیند و یا کودکی که در محیط پرخشونت و پرتبعض یک خانواده بزرگ می‌شود و همیشه از فقدان امنیت رنج می‌برد، به این نتیجه می‌رسد که رفتار بزرگان غیرمسئولانه و خودسرانه است (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۳۱۱).

در این نقش، والدین باید پیش از همه محبت به فرزندان را در نظر داشته باشند تا در آینده کودک دچار بی‌اعتمادی سیاسی نگردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «احبوا الصبیان وارحموهم» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۲۹). سپس رعایت عدالت و عدم تبعیض در برخورد با کودکان مهم است که کودک چنین می‌پندارد که رفتار والدین خودسرانه و غیرمسئولانه نیست. امام علی علیه السلام فرمود: «اعدلوا بین اولادکم» (همان، ص ۱۱۵). پیامبر نیز فردی را که این سفارش مهم را رعایت نکرده بود، سرزنش فرمود: «چرا مساوات میان دو فرزندت را رعایت نکردی» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۰). پرهیز از خشونت و افراط در سرزنش‌ها، چنان‌که امام علی علیه السلام فرموده است، موجب می‌شود که له‌جاست در شخصیت سیاسی کودک راه نیابد: «الافراط فی الملامة یشب نیران اللجاج» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۸۴). سرانجام دادن آزادی لازم به کودکان و گذشت در برابر برخی رفتارهای نامطلوب آنان نیز در پرورش مطلوب سیاسی کودک مهم است. رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَىٰ بَرِّهِ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يَعِينُهُ عَلَىٰ بَرِّهِ قَالَ يَقْبَلُ مِيسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يَرْهَقُهُ وَلَا يَخْرُقُ بِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۱، ص ۴۵۰). افزون بر آن، مداومت والدین در حفظ شئون دینی و سیاسی، به‌ویژه چگونگی برخورد آنان با مسائل سیاسی، رهبران و فعالان سیاسی به نحو غیرمستقیم بر فرزندان تأثیر می‌گذارد و والدین باید با توجه و مراقبت لازم به این موضوعات بپردازند.

۲-۲-۱. شخصیت‌های اسطوره‌ای

پس از والدین، معرفی شخصیت‌ها به عنوان الگوهای حماسی و قهرمانان تاریخی از اهمیت فزاینده برخوردار است. این حس در کودک، در سال‌های پنج تا هفت‌سالگی به اوج می‌رسد و کودک در این سنین از داستان‌های خارق‌العاده و عجیب خوشش می‌آید و شخصیت‌های خیالی را ابداع می‌کند و امور واقعی را با خیال درمی‌آمیزد. مطالعاتی که در کشورهای مختلف بر روی کودکان صورت گرفته، نشان می‌دهند که گرایش‌های سیاسی‌ای که در سال‌های اولیه در کودک پدید می‌آیند، عموماً جنبه مثبت دارند. رهبران و دیگر نمادهای سیاسی اغلب با دید دوستانه و با حالتی محبت‌آمیز تصویر می‌شوند (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۶۵).

نقش اساسی مربیان در این زمان است؛ آنان باید با درک صحیح از نیازمندی کودک، اسوه‌های راستین و قهرمانان واقعی دین را به او معرفی کنند تا با این وسیله ارزش‌های دینی در حوزه سیاست به کودک منتقل شود. استفاده از داستان‌های حماسی صدر اسلام و ارائه تصویری قهرمانانه از آن در ذهن کودکان، می‌تواند ماندگار گردد و به‌ویژه در ایجاد اعتماد به نفس، هویت، ظلم‌ستیزی و استقلال که در آینده به نحو بارزی سیاسی هستند، تأثیرگذار باشد.

۳-۲-۱. بازی‌ها و سرگرمی‌های مناسب

سرانجام از آنجاکه بازی در این سنین اهمیتی فزاینده دارد و چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: «دع ابنک یلعب سبع سنین» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۱، ص ۴۴۱)، باید کودکان را با بازی‌های مبتنی بر هویت و ارزش‌های دینی در حوزه سیاست سرگرم کرد.^۱ در تدوین بازی‌های مناسب، نقش اصلی و تعیین‌کننده را دولت و نهادهای تربیتی به عهده دارند و کار والدین صرفاً رساندن این محصولات به کودکان است. افزون بر بازی، نرم‌افزارها و فیلم‌های کودکانه که با توجه به رویدادهای تاریخی بازسازی شده‌اند و یا ارزش‌های سیاسی مطلوب در آنها با هنر درآمیخته است نیز نقش مهمی در تربیت سیاسی کودکان دارند؛ به‌ویژه آنکه دین اسلام و تاریخ تشیع سرمایه‌های فراوانی نیز در این زمینه دارد؛ جنگ بدر، فتح خیبر، فتح مکه، جنگ احزاب، حادثه عاشورا و بسیاری دیگر از وقایع تاریخی اسلام، قهرمان‌هایی راستین در درون خود دارند که هم حاوی ابعاد حماسی‌اند و هم ارزش‌های بنیادین سیاسی در درون آنها قرار گرفته است؛ اما مهم آن است که این داستان‌های

۱. در یکی از گزارش‌های صدا و سیما آمده بود که سازمان‌های وابسته به وزارت دفاع امریکا بازی‌هایی را برای کودکان تولید می‌کنند که کودکان را برای برخوردهای جدی با تروریسم و به طور مشخص القاعده اقناع می‌کند. بازی‌ها به گونه‌ای طراحی شده بود که کودکان باور می‌کردند هر چه بر سر این گروه بیاید، لازم است.

تاریخی به سبک کودکانه بازسازی شوند و در قالب فیلم‌های کودکانه روایت گردند. در دوره کودکی دوم، کودک در مقایسه با سنوآت قبل، هم از رشد جسمانی و رشد عقلانی بیشتری برخوردار شده و هم ارتباط او از فضای محدود خانواده به بخش دیگری از حوزه‌های جامعه کشانده شده است. در این دوره شخصیت کودک باثبات تر می‌شود؛ بحران عمیق شخصیت دیده نمی‌شود و می‌توان گفت کودک عاقل تر می‌گردد. ظهور مفهوم اجمال برگرفته از فکر در برابر مفاهیم برگرفته از مناسبات (نخستین برداشت‌های مفهومی کودک که بر اثر تفکر حاصل شده نه در اثر مناسبات)، علاقه به کار و سن دانایی و عقل به‌ویژه فعال شدن حافظه، ظهور استعدادها به‌ویژه برخی مظاهر هنر، و میل به زندگی اجتماعی از ویژگی‌های این دوره است. شاگرد دبستان به زندگی گروهی نیاز دارد و این میل بسیار شدید است (دبس، ۱۳۷۴، ص ۶۵-۶۸).

این دوران که برابر با دوران آموزش ابتدایی در نظام آموزش غالب کشورهاست، از اهمیت بسیاری به‌ویژه از لحاظ تکوین شخصیت سیاسی و اجتماعی و ساخت فرهنگ عمومی شهروندی برخوردار است. برخی اهداف تربیتی در حوزه سیاست، بدین قرارند:

۱-۳. اهداف تربیتی

۱-۳-۱. نظم‌پذیری

نظم‌پذیری از مؤلفه‌های بسیار مهم در حیات سیاسی و اجتماعی است. امام علی علیه السلام خطاب به فرزندان دربار اهمیت نظم فرموده است: «شما را و تمام فرزندان و خاندانم را و کسانی را که این وصیت به آنها می‌رسد، به ترس از خدا و نظم در امور زندگی و ایجاد صلح و آشتی در میانان سفارش می‌کنم» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷). به سبب اهمیت فزاینده این موضوع، خوب است که اعضای جامعه از همان دوره کودکی به آن عادت کنند. نخستین جرعه نظم‌پذیری را می‌توان از همان آغاز تولد در نظر گرفت؛ ارضای دو احتیاج عمده، یعنی احتیاج به خور و خواب فرصتی برای نخستین نظم‌بخشی تربیتی است. شیر خوردن و خوابیدن و شست‌وشو شدن و گردش رفتن در ساعات معین، عاداتی هستند که بسیار زود در حرکات و سکنات بدن کودک سالم نقش می‌بندند (دبس، ۱۳۷۴، ص ۲۵). کودک اگرچه به‌صورت بالفعل یک فعال سیاسی نیست، اما در آینده احتمالاً نقش سیاسی دارد؛ دست‌کم آنکه در آینده یک شهروند است که خود وظایفی سیاسی بر عهده دارد. از این رو لازم است که این مسئولیت‌ها از همین زمان به او آموزش داده شوند. در مراحل بعدی، رعایت نظم و انضباط در مدارس و دقت در انجام تکالیف در موعد مقرر عملاً همان نظم‌آموزی است که نتیجه‌اش خو گرفتن کودک با نظم و انضباط است.

۲-۳-۱. مشارکت‌دهی در امور بسیط سیاسی

شاگرد مدرسه (از هفت‌سالگی به بعد) شیفته فعالیت است. فعالیت او نشانه نیروی فزاینده و شور و نشاط حیاتی شدید و سازگاری‌اش با عالم اشیاست. این فعالیت که متنوع و بازی‌گونه است، به فعالیت ما بزرگ‌سالان نزدیک‌تر است و به‌صورت گوناگون نمایان می‌شود (همان، ص ۷۰). نظریات و احساسات کسب‌شده در دوران کودکی، پایه و اساسی هستند که گرایش‌های سیاسی که کودک در ادوار بعدی کسب می‌کند، روی آنها بنا می‌شود. به‌عبارت‌دیگر وقایعی که بعدها در زندگی سیاسی کودک رخ می‌دهند و تجربیاتی که بعداً برایش حاصل می‌شوند، غالباً در چارچوب گرایش‌های اولیه‌ای که کودک در سنین اولیه کسب کرده است ارزیابی و تحلیل می‌شوند. چنین تجربیاتی در حکم عینکی سیاسی است که شخص به‌چشم می‌زند و به‌وسیله آن جهان سیاست را مشاهده می‌کند (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۳۷). براین‌اساس مشارکت‌دهی کودکان در امور سیاسی باید کاملاً با مراقبت همراه باشد. در واقع اولویت‌بندی در این‌گونه فعالیت‌ها نشان‌دهنده اهمیت این اولویت‌ها برای کودک است که با این مشارکت‌ها ترجیحات سیاسی او شکل می‌گیرد.

در این‌زمان چنان‌که کودک از اولیا و مربیان خویش وفاداری به‌میهن و رهبران سیاسی را می‌آموزد، این نکته را نیز فرامی‌گیرد که باید به‌خواسته‌های آنان گردن‌نهد؛ زیرا برای کودک بین وفاداری به‌رهبران و مسئولان از یک سو و تمکین و اطاعت از آنها از سوی دیگر، تفاوتی وجود ندارد. برای کودک، خوب بودن معادل است با تمکین و فرمان‌برداری (همان، ص ۳۵).

این فعالیت‌ها را می‌توان شامل مشارکت در تظاهرات و راهپیمایی‌های ملی و شناخت کشور، رهبری نظام، برخی نهادها و فعالان سیاسی چون قوای سه‌گانه حاکمیت، نمادهای سیاسی چون پرچم، سرود ملی و مسائلی از این دست عنوان کرد. همچنین مشارکت در انتخابات دانش‌آموزی مدرسه، مشارکت‌دهی در کارهای گروهی و محول‌ساختن برخی فعالیت‌ها به‌خود کودکان برای کسب آمادگی‌های مناسب نیز باید کانون توجه مربیان قرار گیرد. مشارکت‌دهی در فعالیت‌های جمعی نتایجی به‌همراه دارد که اختصاراً بدین شرح‌اند:

۱. پرورش حس همکاری: زمانی که انسان متولد می‌شود، تنها از برخی ویژگی‌های زیستی و استعداد بالقوه برخوردار است. در میان استعدادهای بالقوه او، استعداد اجتماعی شدن و آمیزش احساسی و عاطفی با دیگر انسان‌ها قرار دارد که اساس روابط اجتماعی را تشکیل می‌دهد (همان، ص ۵۵). در تربیت سیاسی تلاش می‌شود که این ارتباط به‌نحو مطلوب مدیریت گردد. آموختن این مطلب به کودکان که بسیاری از کارهای سیاسی به‌صورت جمعی امکان‌پذیرند و اینکه برای رسیدن به هدفی سیاسی باید با دیگران ارتباط برقرار کرد

و همکاری نمود، یکی از محورهای مهم در مدیریت ارتباط کودک با جامعه است؛
 ۲. پرورش روحیه انتقادپذیری: کودکان با مشارکت در کارهای گروهی به زودی درمی یابند که انجام کارهای گروهی به صبر و حوصله نیاز دارد و برای انجام بهتر امور لازم است با همدیگر همکاری کنند؛

۳. آشنایی با هنجارها و قوانین: مشارکت‌دهی کودکان در امور سیاسی، آشنایی آنان با برخی قواعد و هنجارهای سیاسی را به همراه خواهد داشت. این فرایند باید به گونه‌ای صحیح مدیریت شود تا کودکان بتوانند هنجارهای مهم در حوزه سیاست را دریابند؛ زیرا اخلاق کودک در دوره دبستان مبتنی بر قرارداد است و او در ارتباط با این قواعد و قانون‌های اخلاقی، مطلق‌اندیش است؛ یعنی آنچه را به عنوان قانون اخلاقی بپذیرد، همیشه صادق و لازم‌الاجرا می‌داند و به شرایط و انگیزه‌های رفتار کاری ندارد (کاظمی، ۱۳۷۷، ص ۴۲).

۲. دوره نوجوانی

بلوغ جسمانی همراه با آثاری در روحیات، برخوردها و تمایلات است؛ زیرا دوران بلوغ در واقع تحولی کیفی در دیدگاه‌ها، موقعیت اجتماعی و نقش انسان در جامعه ایجاد می‌کند. نوجوان در پایان سیزده‌سالگی و ورود به چهارده‌سالگی، به دلیل توانایی درک روشن‌تر مسائل و شناخت شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی به کسب اطلاعات و معلومات بیشتری درباره آنها علاقه‌مند است. در این دوران خود را فردی اجتماعی می‌انگارد که مسئولیت‌هایی بر عهده دارد و هسته سیاسی جامعه است و بدین ترتیب احساس برخورداری از «خود سیاسی» می‌کند (منصوری، ۱۳۷۹، ص ۹۳). مطالعاتی که درباره نوجوانان بین سنین ۱۳ تا ۱۸ سال انجام شده، نشان می‌دهد که آنان به گونه‌ای فزاینده به مسائل سیاسی علاقه نشان می‌دهند و وقایع سیاسی را دنبال می‌کنند؛ درباره احزاب و جریان‌های سیاسی و نقش و سیاست‌های آنها اظهارنظر نموده، در گروه‌بندی‌های سیاسی مشارکت می‌کنند. همچنین از تفکر ایدئولوژیک برخوردارند (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۶۸). به نظر می‌رسد که انتخاب سنین ۱۵ و ۱۶ سال به بالا برای شرکت در انتخابات در کشورهای مختلف، معلول همین ویژگی‌های دوره نوجوانی است. براین اساس اهداف تربیت سیاسی برای نوجوانان چنین بازسازی می‌شود:

۱-۲. شکل‌دهی شخصیت سیاسی

از اوایل سیزده‌سالگی به بعد، نوجوان با توجه به تجربیات و اطلاعات و موقعیت اجتماعی، تا

حدی شرایط و اوضاع و احوال سیاسی را درک می‌کند و تلاشش برای کسب اطلاعات بیشتر در راستای ایفای نقش اجتماعی و تقویت «خود سیاسی» افزایش می‌یابد. در این زمان شخصیت اعتقادی و به موازات آن روحیه استقلال شکل می‌گیرد که در واقع مکمل و تقویت‌کننده شخصیت سیاسی و احساس شهروندی است (منصوری، ۱۳۷۹، ص ۹۱). سیاست به تدریج حالت ابهام‌آمیز و نمادین خود را از دست می‌دهد و واقعیت‌ها جای‌گزین آنها می‌شوند. انگیزه‌های درونی شخص در باره مشارکت سیاسی ابعاد گسترده‌تری می‌یابد و ارتباطات او با نهادها دولتی و مشکلاتی که در این زمینه‌ها ممکن است پیش آید، جهان سیاسی او را پیش از گذشته با واقعیت‌ها مواجه می‌سازد (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۳۸). جوان در ابتدای حرکت اجتماعی، آرزوها و آرمان‌های بلندی دارد. همین آرمان‌گرایی مستلزم آن است که جوان صاحب تخیلات و ذهنیات گوناگون و حتی دور از واقعیات باشد. لذا در میان جوانان، تخیل و تصور وضع ایدئال بر واقع‌بینی و درک مشکلات غلبه دارد (منصوری، ۱۳۷۹، ص ۹۹). او خود سیاسی‌اش را با توجه به این آرمان‌گرایی و شور و اشتیاق در فعالیت‌های سیاسی شکل می‌بخشد. از این رو بهتر است تربیت سیاسی مطلوب، به‌ویژه شخصیت سیاسی نوجوانان از طریق راهکارهای زیر شکل داده شوند:

۱-۲-۱. مبانی دینی

در جامعه دینی، دین است که نقش بنیادین را در تربیت جامعه از جمله نوجوانان بر عهده دارد. این مهم می‌طلبد که مبانی دینی، گفتمانی از اهداف والای دینی را به صورت ملموس و عینی برای نوجوانان ارائه دهد تا جوانان آرمان‌های خود را با توجه به این اهداف ترسیم کنند.

سه ارزش اساسی در حوزه سیاست یعنی عدالت‌خواهی، حق‌مداری و ظلم‌ستیزی در تربیت نوجوانان باید کانون توجه باشد. قرآن کریم درباره عدالت و اهتمام‌ورزی به آن می‌فرماید: (یا ایها الذین آمنوا کونوا قَوَّامِینَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِینِ وَالْأَقْرَبِینَ) (نساء: ۱۳۵). عدالت‌خواهی در نوجوانان باید به گونه‌ای پرورده شود که هیچ‌چیزی مانع عدالت‌خواهی، حتی روابط نزدیک خویشاوندی و تباری نگردد. در آیه دیگر خداوند مقرر کرده است که عدالت را باید در همه جا، حتی نسبت به دشمنان باید رعایت کرد: (یا ایها الذین آمنوا کونوا قَوَّامِینَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوِی وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) (مائده: ۸).

حق‌مداری و حقیقت‌خواهی نیز از دیگر مؤلفه‌های مهم در حوزه دین است که بر اساس سفارش‌های دینی، باید در تربیت کانون توجه قرار گیرد: (إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ یَقْضُ الْحَقَّ وَهُوَ

خَيْرُ الْفَاعِلِينَ) (انعام: ۵۷). در این آیه به دو نکته توجه داده شده است: یکی ارزش خود حق و حق‌گرایی و دوم ارتباط آن با خداوند؛ یعنی حقیقت را باید از خداوند اخذ کرد. توجه به مبانی دینی در حق‌گرایی برای رسیدن به حقیقت واقعی، نیازمند توجه بیشتر است تا از بدل گرفتن امور دیگر به جای حقیقت (به‌ویژه در مورد نوجوانان که معمولاً از قدرت تحلیل داده‌ها برخوردار نیستند) جلوگیری شود. براین اساس نوجوانان در جامعه اسلامی باید هم حق‌گرا باشند و هم حقیقت را با معیار دیانت و انتساب به خداوند مبنای عمل قرار دهند.

ظلم‌ستیزی از دیگر ارزش‌های بنیادین سیاسی در دین مقدس اسلام است که سفارش‌های فراوانی درباره‌اش شده است. قرآن کریم می‌فرماید: (وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ) (هود: ۱۱۳). در احادیث ائمه معصوم: نیز از ظلم‌ستیزی به عنوان حقیقتی دینی یاد شده و مؤمنان موظف شده‌اند که دشمن ظالم و یاور مظلوم باشند: «كُنْ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا وَ لِلظَّالِمِ خَصْمًا» (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۴۸۱). از این رو لازم است جامعه اسلامی در بدو تشکیل شخصیت سیاسی شهروندان، اهمیت این آموزه‌ها را به آنان یادآور شود و با این روحیه، شهروندان آینده را تربیت کند.

۲-۱-۲. هویت تاریخی

هویت تاریخی از دیگر مبانی مهم در شکل‌دهی شخصیت سیاسی است. هنگامی که کودک به مدرسه می‌رود، تعلیم تاریخ بیش از هر چیز یاد گرفتن مفهوم زمان را تسهیل می‌کند. همه مردم می‌دانند که شاگرد دبستان تاریخ را به سبب جنبه داستانی و اعجاب‌انگیز آن دوست می‌دارد؛ و این درس، تخیل و سپس میلش به حادثه‌جویی را تحریک می‌کند (دبس، ۱۳۷۴، ص ۸۰). براین اساس بازسازی داستان‌های حماسی تاریخ اسلام و امامان می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در سیاست‌فهمی کودک و تربیت سیاسی داشته باشد. این کار سیاست‌گذاران تربیتی است که به گونه‌ای مطلوب متون تاریخی را در این زمینه سازمان‌دهی کنند. درک این نکته که جوان در چه جامعه‌ای زندگی می‌کند، جامعه‌اش چه فراز و فرودهای تاریخی‌ای را پشت‌سر گذاشته و اکنون در چه مرحله‌ای قرار دارد، عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت سیاسی اند. نقش الگوهای تاریخی در این قسمت مهم است.

۲-۲. آشناسازی با قوانین، ساختار، گروه‌ها و تشکلات سیاسی

جهان سیاست مملو از قوانین، تعهدات، میثاق‌ها، آیین‌نامه‌ها، بازیگران و شخصیت‌های سیاسی است که آشناسازی نوجوان با این مقولات در حکم گشودن درب جهان سیاست به روی آنان است.

بلوغ سیاسی برآیندی است که در نتیجه این آگاهی‌ها حاصل می‌شود. در نتیجه این آشناسازی، باید شخصیت سیاسی کودک شکل گرفته باشد. محتوای این شناخت از خود سیاسی عبارت است از: وفاداری به میهن و احساسات میهنی، وابستگی‌های عاطفی و احساسی نسبت به یک گروه اجتماعی، سیاسی، دیدگاه‌ها و ارزیابی‌های فرد درباره مسائل مختلف و شخصیت‌ها، آگاهی‌ها و دارا بودن دانش‌ها و اطلاعات درباره ساخت‌های سیاسی و مقررات آنها، آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های خویشان درباره جامعه و نهادهای مختلف آن و خلاصه تصویری از موقعیت خویش در جهان سیاست (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۲۹).

۳. دوره جوانی

شخصیت سیاسی و دیدگاه‌های اعتقادی و ارزشی در هجده سالگی شکل گرفته است و افراد الگوهای خود را شناخته و برگزیده‌اند؛ به گونه‌ای که غالب افراد در آغاز نوزده سالگی، بیشتر به کسب اطلاعات و معلومات لازم درباره چارچوب فکری و سیاسی آرمانی خود می‌پردازند؛ زیرا یادگیری قبل از هجده سالگی نمی‌تواند برای فعالیت‌های و مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی افراد کافی باشد (منصوری، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰). در چنین سنی است که شخص با دنیای سیاست رابطه عمیق برقرار می‌کند و شناخت او از سیاست با شناختی که بزرگسالان از سیاست دارند کم‌و بیش یکسان است (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۶۴). جوانان به سبب برخورداری از روحیه آرمان‌گرایی و کمال‌طلبی، چندان واقع‌گرا و آینده‌نگر نیستند و به همین سبب اقدامات متهورانه، سنگین و سخت را می‌پذیرند و برای تحقق اهداف موردنظر تلاش‌های خستگی‌ناپذیر می‌کنند. بارزترین و قوی‌ترین مجموعه جوانان، دانشجویان هستند (منصوری، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰). تربیت سیاسی در این زمان به طور عمیقی با حوزه عمل درگیر است و اهداف مشخص شده در این مقطع سنی مستقیماً سیاسی هستند. این اهداف بدین قرارند:

۱-۳. مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری در حوزه سیاست، بخشی از تعهد مدنی است که افراد جامعه در قبال هم آن را مد نظر قرار می‌دهند. دیانت با مسئولیت رابطه عمیق دارد. بر اساس آموزه‌های دینی مسئولیت انسان از چند لحاظ مهم است:

۱. مسئولیت او در برابر خداوند که مقتضای ربوبیت تشریحی الهی؛
۲. مسئولیت او در برابر دیگر اعضای جامعه که در فرایند اصلاح و بهتر شدن وضعیت اجتماعی بکوشد.

در این زمینه پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۴۱۷). بر اساس حدیث دیگری از پیامبر اکرم ﷺ مسلمانان هر کدام نسبت به هم وظیفه والی و رعیت را دارا هستند (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۳۸۰). محورهای مهم در مسئولیت‌پذیری بدین قرارند:

۱-۱-۳. پرهیز از بی‌اعتنایی

در تربیت اسلامی باید به این نکته توجه داد که بی‌اعتنایی و سکوت در مقابل آنچه در حوزه سیاست و جامعه می‌گذرد، پذیرفته نیست و فرد به عنوان عضوی از جامعه باید در قبال دیگران احساس مسئولیت کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «السَّكْتُ أَخُو الرَّاضِي وَمَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَنَا كَانَ عَلَيْنَا» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۰۳)؛ چنان‌که در قرآن کریم نیز بهانه افراد به دلیل استضعاف در دنیا، پذیرفته نشده است (نساء: ۹۷).

۲-۱-۳. احساس اخوت و برادری

اخوت و برادری از دیگر ویژگی‌هایی است که جوانان جامعه اسلامی باید با آن پرورش یابند. روحیه مشارکت در شادی و غم دیگران به عنوان برادران ایمانی، از ویژگی‌های منحصر به فرد جامعه اسلامی است. از این منظر جامعه اسلامی همانند پیکر واحدی است که افراد در آن به عنوان اعضا قرار گرفته‌اند و هرگاه عضوی از این بدن به درد آید، آرامش از دیگران گرفته خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمود: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ، إِنْ أَشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ، وَأَرْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۴۲۵).

۳-۱-۳. عهده‌داری مسئولیت‌های سیاسی

مهم‌ترین حوزه از مسئولیت‌پذیری، عهده‌دار شدن سمت‌های اداری است. ادارات دولت هر کدام به منزله یکی از دستگاه‌های بدن هستند. هر متشرعی مکلف است خود را برای حُسن اداره امور در حدی که برایش مقدور است آماده کند تا کارها به دست ناهلان و افراد غیر متعهد نیفتد و اگر مدیریت امور به دست ناهلان بیفتد و از این لحاظ فسق و فجور شایع گردد، دیگران نیز در معرض سؤال‌اند. بنابراین ایجاد آمادگی در خود و تربیت افراد مستعد برای اداره امور مسلمین، یکی از هدف‌های تربیتی است (آموزگار، ۱۳۷۶، ص ۱۳۰). پیامبر گرامی اسلام ﷺ در نظر گرفته نشدن شایستگی در احراز مسئولیت‌ها را علاوه بر خیانت به خدا و رسول، خیانت به امت اسلامی

دانسته است: «من تقدّم علی المسلمین وهو یری أنّ فیهم من هو افضل منه، فقد خان الله ورسوله والمسلمین» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۸۵). آنچه مهم می‌نماید، این است که تربیت هم بتواند آمادگی لازم را برای احراز مسئولیت‌ها در جوانان ایجاد کند و هم نحوه به کار گرفتن شدن افراد را به آنان بفهماند که بر اساس تعهد و تخصص کافی انجام شود.

مسئولیت‌پذیری یک کلی دارای تشکیک است که کیفیت آن را ساختار نظام سیاسی، توانمندی‌های شخص شهروند و موقعیت موجود در بستر زمان و مکانی خاص مشخص می‌کند. براین اساس کسانی که در موقعیت‌های بزرگ‌تری قرار دارند و یا از توانمندی‌های سیاسی بیشتری برخوردارند، مسئولیت بیشتری در قبال سرنوشت جامعه دارند. پیامبر اسلام ۶ نیز به آگاهان جامعه هشدار داده است که در صورت پدید آمدن انحرافات و بدعت‌ها در جامعه، ساکت نباشند وگرنه مورد لعنت خداوند قرار خواهند گرفت: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۳۵). براین اساس ورود به عرصه فعالیت سیاسی، باید متناسب با سن و سال افراد کانون توجه قرار گیرد. در آغاز جوانی آنچه انتظار می‌رود، پذیرش مسئولیت‌های سبک و آمادگی برای مسئولیت‌های سنگین است که این آمادگی نیازمند تمهیداتی است که جوانان به لحاظ آموزشی، کسب تجربه، برخورداری از ویژگی‌های شخصیتی لازم به دست می‌آورند تا در آینده نزدیک، مسئولیت‌های بزرگ و بزرگ‌تری عهده‌دار شوند؛ اما با ورود به مرحله بزرگ‌سالی مسئولیت‌پذیری به حوزه فعلیت‌رسانی استعدادها و توانمندی‌ها نزدیک و نزدیک‌تر می‌گردد. به این ترتیب بزرگ‌سالان هستند که موقعیت‌های سیاسی ویژه را به دوش می‌گیرند. عهده‌داری موقعیت‌های راهبردی چون نهاد رهبری، ریاست جمهوری، سمت‌های وزارت و مشاورت، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، ریاست تشکل‌ها، انجمن‌ها و احزاب سیاسی، برخی موقعیت‌های ویژه سیاسی هستند که تربیت سیاسی در عرصه مسئولیت‌پذیری بدانها توجه می‌کند.

۲-۳. مشارکت سیاسی

در تعریفی مختصر، مشارکت سیاسی عبارت است از: «درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی» (راش، ۱۳۷۷، ص ۱۲۳). مؤلفه مشارکت سیاسی، فعالیت‌های سیاسی شهروندان (از پایین به بالا) را در نظر دارد. مشارکت سیاسی، به عنوان هدف بر این نکته تأکید دارد که جوانان در عرصه تربیت سیاسی، به گونه مشارکت‌کننده در حوزه سیاست تربیت شوند. مشارکت سیاسی عنوانی است منتزع از گونه‌های مختلف فعالیت سیاسی که

بسیاری از این عناوین مستقیماً در متون دینی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۱-۲-۳. مشارکت در انتخابات

انتخابات یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مشارکت سیاسی است که شهروندان بر اساس ملاک‌های خود افرادی را گزینش می‌کنند. باید توجه کرد که انتخابات اساساً پدیده‌ای جدید نیست و در تاریخ سیاسی اسلام بیعت از چنین جایگاهی برخوردار بوده است. بیعت عبارت است از پیمان بستن برای فرمان‌بری و اطاعت (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۰۰). با توجه به مطالب بیان‌شده در تعریف کلمه بیعت و مصداق‌های تاریخی‌اش، مشخص می‌شود که شباهت‌هایی میان انتخابات و بیعت وجود دارد. اگر بپذیریم که بیعت پیمانی دوطرفه میان حاکم و اتباع است، در این صورت رابطه بیعت و انتخابات نزدیک است و دلایلی که برای بیعت و چگونگی آن آمده، درباره انتخابات نیز جریان خواهد داشت. از آنجاکه در برخی موارد بیعت‌کنندگان شرایطی برای بیعت ذکر می‌کردند، معلوم می‌شود که بیعت صرفاً اعلام اطاعت نیست و دست‌کم عام‌تر از آن است؛ بلکه به نوعی حاکی از تعهد دو طرف می‌باشد. در گذشته قرار دادن دست روی دست، به عنوان نماد این میثاق شناخته می‌شده است و امروزه این نماد می‌تواند برگ‌رأی‌دهی باشد.

در نگاه تربیتی به مقوله انتخابات (به عنوان بخشی مهم از مشارکت سیاسی)، مهم‌ترین وظیفه تربیتی اهمیت مشارکت در انتخابات و ملاک‌های گزینش نامزدهای انتخاباتی است. توجه به ملاک‌ها مهم‌تر از اولی، بلکه تعیین‌کننده جهت خصیصه مشارکت است. از این‌رو در تربیت سیاسی، معرفی ملاک‌های مطلوب سیاسی از اهمیت والایی برخوردار است. توجه به ساده‌زیستی، پرهیز از ریاست‌طلبی، نداشتن پیوندهای نامطلوب خانوادگی، حزبی و صنفی، و استفاده از وسایل مشروع برای پیروزی در انتخابات، بخشی از این معیارها هستند.

۲-۲-۳. نصیحت‌گری

خیرخواهی که در متون دینی از آن به نصیحت تعبیر شده از دیگر وظایف مسلمانان است که می‌تواند در حوزه‌های مختلف سیاست و جامعه مدنظر قرار گیرد. رفتار خیرخواهانه در حوزه مشارکت سیاسی به این معناست که شهروندان و دولتمردان جامعه اسلامی، رفتارهای سیاسی خود را به گونه‌ای تنظیم و عملی کنند که در آن خیر جامعه اسلامی مدنظر قرار گرفته باشد. نصیحت وظیفه‌ای همگانی است و کسی از دایره آن بیرون نیست. روایات فراوانی در این زمینه وارد شده است. در برخی روایات، نصیحت مؤمنان نسبت به همدیگر واجب شمرده شده است.

برای نمونه، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَتَّصِحَّهُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۵۲۹). در برخی دیگر از روایات، به سبب مهم بودن مسئله سیاست و میزان اهمیت تأثیرگذاری سیاست بر حیات افراد بشر، نصیحت رهبران جامعه اسلامی بیشتر سفارش شده و در کتب حدیثی، بایبی اختصاصی با عنوان «النصيحة لأئمة المسلمين» وجود دارد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نصیحت را از امور مهمی می‌داند که در کنار عبادت خداوند و اتحاد جامعه اسلامی، مورد رضایت الهی قرار دارد (مشکینی، ۱۴۲۴، ص ۲۴۲). امام علی علیه السلام نیز به مقوله نصیحت توجه فراوانی داشت و در یکی از خواسته‌های خود به صالحان اصحابش، چنین می‌فرماید: «پس مرا، با خیرخواهی خالصانه و سالم از هرگونه شک و تردید، یاری کنید. به خدا سوگند من به مردم از خودشان سزاوارترم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۸). به این ترتیب نصیحت رهبران جامعه اسلامی از اموری است که مسلمانان همیشه باید به آن توجه داشته باشند.

آنچه باید در نصیحت به عنوان هدف تربیتی مورد توجه قرار گیرد، ویژگی خالص بودن نصیحت است. خالص بودن نصیحت به این معناست که غرض اصلی کنشگر، خیرخواهی باشد و از دیگر سو هیچ‌گونه آمیختگی‌ای با منافع شخص و جناحی نداشته باشد و از هرگونه تملق و مدهانه‌گری پیراسته باشد: «فَأَعِينُونِي بِمُنَاصِحَةٍ جَلِيَّةٍ خَلِيَّةٍ مِنَ الْغُشِّ» (احمدی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۳۵۹). پاکی نصیحت از آلاینده‌های سیاسی، از محورهای مهم در تربیت سیاسی است. در واقع خالص بودن نصیحت به این نکته اشاره دارد که نمی‌توان عقده‌گشایی‌های حزبی و لجاجت‌های سیاسی را با استفاده از مؤلفه نصیحت ائمه مسلمین انجام داد و در پوشش این عنوان با استفاده از امکانات (به ویژه رسانه‌های جمعی)، شخصیت‌های سیاسی، سازمان‌ها، تشکلات و فعالان سیاسی را مورد هجوم تبلیغاتی قرار داد.

می‌توان سازوکار تربیتی نصیحت را در سه سطح در نظر گرفت:

۱. سطح عمومی آن مربوط به همگان است که عموم شهروندان باید نسبت به دولت و نسبت به همدیگر خیرخواهی را مبنای عمل خود قرار دهند؛
۲. نهادهایی که باید به صورت دائمی و تخصصی، خیرخواهی جامعه اسلامی و اقتضانات آن را در حوزه دولت و جامعه بررسی کنند؛
۳. سطح انتقادی آن مربوط به اصحاب رسانه‌های جمعی است که باید بر اساس نصیحت و خیرخواهی، مطالب خویش را بازتاب دهند.

۳-۲-۳. اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر

از مؤلفه‌های مهم در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی، دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. تربیتی بودن این دو فریضه از این لحاظ است که افراد از ابتدا وجود چنین حقی را در جامعه برای دیگران بپذیرند و سپس به انجام آن مبادرت ورزند. اگر این ویژگی تربیتی از امر به معروف و نهی از منکر گرفته شود، مرتکبان منکر به راحتی می‌توانند بگویند که هر چه می‌خواهند انجام می‌دهند و به کس دیگری ارتباطی ندارد. دستگاه تربیتی باید بتواند ولایت مؤمنان در جامعه را به گونه‌ای صحیح به افراد منتقل سازد.

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های نیکوی مسلمانان را دعوت به خیر و امر به معروف ذکر کرده است: «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: «به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید و به خدا ایمان دارید» (آل عمران: ۱۱۰). در آیه دیگر به مؤمنان ولایت داده شده تا امر به معروف و نهی از منکر کنند: «و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند» (توبه: ۷۱). روایت‌های فراوانی درباره این دو فریضه وارد شده که از اهمیت ویژه آنها حکایت می‌کنند. پیامبر ﷺ فرمود: «اگر امتم امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده دیگران بگذارند، منتظر بلا و مجازات الهی باشند» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۱۸). امام علی ﷺ نیز هلاک و نابودی امت‌های پیشین را ناشی از ترک این دو فریضه الهی دانسته است (همان، ص ۱۲۰).

در حدیثی از امام باقر ﷺ این دو فریضه تکیه‌گاه احکام الهی اعلام شده‌اند: «امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه‌ای عظیم می‌باشد که انجام واجبات دیگر بسته به آن است» (همان، ص ۱۱۹). در واقع پشتوانه انجام معروف و دوری از منکر در جامعه اسلامی، همین دو فریضه الهی است. در چنین جامعه‌ای از آنجاکه افراد بر اساس ویژگی‌های تربیتی اسلام تربیت شده‌اند، ارتکاب جرایم سیاسی، جناح‌بندی‌های نامطلوب، بهره‌برداری‌های ناشایست از امکانات عمومی و بسیاری از آلاینده‌های دیگر سیاسی با سکوت و بی‌اعتنایی روبه‌رو نمی‌شود.

وجود چنین باوری در جامعه است که به مراقبت دائم از ارزش‌ها و هنجارهای دینی می‌انجامد و چنین است که در احادیث، از تلازم امر به معروف و نهی از منکر با پیشرفت سیاسی یاد شده است. آن‌گونه که حضرت علی ﷺ به فرزندان در بستر شهادت وصیت کرده، انجام ندادن این دو فریضه بزرگ الهی، سبب عقب‌گرد جامعه می‌شود: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدان شما

بر شما مسلط می‌گردند؛ آن‌گاه هر چه خدا را بخوانید پاسخ ندهد» (نهج البلاغه، نامه ۴۷). حضرت در حدیثی دیگر، نسبت به فعالان سیاسی حساسیت ویژه‌ای نشان می‌دهد و چنین تفکیک می‌کند که انجام منکرات از سوی خواص به گونه‌ای که در انظار عموم باشد و مردم نسبت به آن واکنشی نشان ندهند، موجب عقوبت برای هر دو می‌شود (صدوق، ۱۴۰۶، ص ۲۶۱؛ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۲۱). شاید در توجیه این تفکیک، این نکته نهفته باشد که ارتکاب منکر از سوی خواص به صورت علنی، موجب زوال احکام دینی می‌شود و اگر قرار باشد کسانی که وظیفه صیانت از دین را دارند خود به دستورهای دینی متدین نباشند، دیگر تضمینی برای ارتکاب جرائم وجود نخواهد داشت. افزون بر آنکه هنجارشکنی خواص، خود مشوقی برای هنجارشکنی در جامعه می‌شود و این درنهایت سبب عقبگرد و سیر فقه‌رایی جامعه دینی می‌شود.

۳-۳. بصیرت‌افزایی

بصیرت در اصل به معنای علم و یقین آمده است و منظور از آن، داشتن درک صحیح از دین و عوامل زمانی و مکانی است. سفارش‌های اکید پیشوایان دینی درباره بصیرت فراوان است و البته اختصاصی به حوزه سیاست ندارد. بصیرت امری کلی و عام است که حوزه سیاسی، بخشی از آن را تشکیل می‌دهد. امام علی علیه السلام درباره اهمیت بصیرت می‌فرماید: «ذَهَابُ الْبَصِيرِ خَيْرٌ مِنْ عَمَى الْبَصِيرَةِ» (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۴۱). در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۴۶). بصیرت امروزه که سیاست‌پنچیدگی‌های فراوان پیدا کرده و از سوی دیگر تحت تأثیر رسانه‌های جمعی قرار گرفته، از اهمیت فراوانی برخوردار است.

بصیرت را با توجه به متون روایی می‌توان داری سه جزء دانست:

۱. شناخت حق: نخستین مؤلفه مهم در بصیرت، شناخت حق است. بصیر کسی است که حق را بشناسد و بر اساس حق، اشخاص و موضع‌گیری‌های سیاسی را ارزیابی کند. در جنگ جمل که برخی از دشمنان حضرت علی علیه السلام از کبار صحابه بودند و عایشه نیز در جبهه مقابل امام قرار داشت، شناخت حق دشوار شد و به همین سبب برخی دچار حیرت و سردرگمی شدند که از جمله آنان، حارث بن حوط بود. او با مشاهده وضعیت پدیدآمده خدمت امام علیه السلام آمد و با سردرگمی پرسید که آیا طلحه، زبیر و عایشه در جبهه باطل‌اند؟ امام علیه السلام پاسخ داد: «یا حارث إنه ملبوس علیک، وإن الحق والباطل لا یعرفان بالناس، ولكن اعرف الحق تعرف أهله، واعرف الباطل تعرف من آتاه» (یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۲). در این حدیث امام

یادآور می‌شود که حق را نباید با اشخاص سنجید، بلکه اشخاص را باید با حق ارزیابی کرد و زمانی که در این ارزیابی اشخاص ناحق تشخیص داده شدند، باید آن را پذیرفت و از عناوین و سوابق افراد هراسی به دل راه نداد.

۲. شناخت دشمن: هر کس از دشمن شناخت بیشتری داشته باشد، از بصیرت بیشتری برخوردار است. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «الا وإن أَعْقَلَ الناس عبد عرف ربه فاطاعه وعرف عدوه فعصاه» (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۳۳۷). امام علیؑ در این زمینه فرمود: «کمال الحزم استصلاح الأضداد ومداجاة الاعداء» (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۵۹۲). شناخت دشمن در وضعیت کنونی از اهمیت بسیاری برخوردار است. امروز که مرزهای جغرافیای اهمیت خود را از دست داده‌اند و دشمن به گونه‌های مختلفی در درون امت اسلامی حضور دارد، شناخت آن و کسانی که در صف آن قرار می‌گیرند، اهمیت حیاتی دارد. دشمن را هیچ‌وقت نباید نادیده و دست‌کم گرفت: «الواحد من الاعداء کثیر» (همان، ص ۳۰۰) و هرگز نباید از حیل‌های مخفی آنان غفلت ورزید: «شَرُّ الاعداء ابعدهم غورا، واخفاهم مکیده» (همان، ص ۱۸۸)؛ به‌ویژه با توجه به آنکه در روزگار ما، این حیل‌ها بسیار دقیق و ماهرانه طراحی می‌شوند.

۳. زمان‌شناسی: به مجموعه‌ای از شرایط پدیدآمده در زمان و مکان خاص اطلاق می‌گردد. تأثیر شرایط زمانی و مکانی حتی در استنباط احکام شرعی، مورد توجه مجتهدان شیعی قرار دارد و یکی از ضرورت‌های اجتهاد نیز همین مسئله است. در فعالیت سیاسی نیز درک موقعیت زمانی و مکانی از اهمیت لازم برخوردار است و به همین دلیل است که در حدیثی از امام صادقؑ روایت شده است: «الْعَالَمُ بِرَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّؤَابِسُ» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۵۶).

سه مؤلفه شناخت حق، شناخت دشمن و شناخت زمان، ممکن است در شرایط خاص با هم مورد نیاز باشند و این شرایط، خود یکی از انواع فتنه است. میان شناخت حق، شناخت دشمن و شناخت زمان، تأثیر و تأثری متقابل وجود دارد. هر چقدر شناخت حق تأمین شود، شناخت دشمن آسان‌تر است و شناخت حقیقت و دشمنان حقیقت می‌تواند در شناخت فتنه‌ها کمکی شایان داشته باشد.

۴. بزرگ‌سالی

دوره بزرگ‌سالی، دوره تثبیت شخصیت سیاسی افراد است. در این مقطع شخصیت، دیدگاه‌ها و گرایش‌های اجتماعی و سیاسی افراد در آغاز دوران بزرگ‌سالی و گذشتن از ۲۵ سالگی شکل

می‌گیرد و بسیاری از افراد با انتخاب شغل و عضویت در گروه‌های اجتماعی، تقریباً موقعیت تثبیت‌شده‌ای می‌یابند. در این دوران فعالیت‌ها بیشتر در جهت تقویت و تحکیم جریان اجتماعی-سیاسی مورد نظر فرد انجام می‌شوند و تغییر و تحول در دیدگاه‌ها و مواضع، بسیار کم و در شرایط خاص روی می‌دهد (منصوری، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴).

۱-۴. تقوای سیاسی

دوران بزرگسالی از دوره‌های بسیار مهم تربیت سیاسی است. در این دوره سنی از سویی احساس آرمان‌گرایی فرد کمتر می‌شود و از سوی دیگر فرد به سبب جست‌وجوی شغل برای خود و پیش بردن مسئولیت‌های زندگی و افزون شدن تعلقات دیگر چون خانواده و فرزندان، با زمینه‌های انحراف بیشتری روبه‌روست. گرچه رعایت تقوا در هیچ دوره‌ای نباید مغفول قرار گیرد و باید به آن توجه کرد، اما تأکید بر آن در این مقطع سنی به سبب اهمیت فزاینده آن است. بیشتر سمت‌ها و مناصب، به‌ویژه سمت‌های عالی‌رتبه، در همین سن و سال است که به افراد واگذار می‌شوند و بسیاری از کسانی که در فسادهای بزرگ سیاسی گرفتار شده‌اند، در همین مقطع زمانی قرار داشته‌اند.

فعالان سیاسی نباید عرصه سیاست را فرصت بهره‌برداری بینگارند و هر چه می‌توانند از مال و دارایی‌های عمومی به نفع خود بهره‌برداری کنند. باید به این فرمایش حضرت علی علیه السلام توجه کرد که درباره حکومت، با اشاره به کفش کهنه‌اش فرمود: «وَاللَّهِ لَهِیْ أَحَبُّ إِلَیْ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعُ بَاطِلًا» (نهج البلاغه، خطبه ۳۳). امیدواری به جهان آخرت، ترس از عذاب الهی و اقتدا به سیره پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام می‌تواند فعالان سیاسی را در رعایت تقوای الهی در عرصه سیاست یاری رساند. دستورهای اکید امام علی علیه السلام به مالک اشتر برای خودسازی، بهترین دلیل اثبات این مدعاست که برای اداره صحیح اجتماع و سعادت بخشی به زندگی اجتماعی، صلاحیت و شایستگی مجریان قوانین مؤثرتر و مهم‌تر از خود آن قوانین است (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۱۲۴). در زمینه رعایت تقوای الهی، امام علی علیه السلام به فرماندارانش سفارش می‌کند که حکومت امانت الهی است و هر نوع خیانت در آن، موجب خذلان در دنیا و آخرت می‌شود (نهج البلاغه، نامه ۲۶).

۲-۴. مشورت‌دهی

مشورت و شورا در لغت از «شارالعسل» گرفته شده و به معنای بیرون آوردن عسل از کندوست و وجه شباهت معنای لغوی و اصطلاحی این واژه آن است که در مشورت، راه درست و متقن، از طریق نظرخواهی از عقلا و خردمندان به دست می‌آید (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۵۴). قرآن

کریم مشورت کردن را از اوصاف مؤمنان دانسته و در آیه‌ای دیگر به نبی مکرم اسلام دستور داده شده که در کارهایش با مردم مشورت کند (آل عمران: ۱۵۹).

احادیث وارد شده درباره مشورت، فراوان است؛ هم درباره مشورت به طور مطلق و هم درباره مشورت در امور سیاسی. از پیامبر اسلام ﷺ روایت شده که فرمود: «تَذَاكُرُوا وَ تَلَاكُرُوا وَ تَحَدَّثُوا فَإِنَّ الْحَدِيثَ جَلَاءٌ لِلْقُلُوبِ إِنَّ الْقُلُوبَ لَتَرِينٌ كَمَا يَرِينُ السَّيْفُ جَلَاوُهَا» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۹۹). امام علی ﷺ اهمیت مشورت را چنین بیان نموده است: «آن که پیشاپیش رأی‌ها تاخت، درست را از خطا بازشناخت» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳). همچنین آن حضرت استبداد و خودرأیی را نکوهش کرده است: «هر که خودرأی گردید به هلاکت رسید و هر که با مردمان، رأی برانداخت خود را در خرد آنان شریک ساخت» (همان، حکمت ۱۶۳). در سیره عملی پیامبر ﷺ و ائمه معصومین ﷺ نیز توجه ویژه‌ای به مشورت شده است. به همین سبب یکی از جمله‌هایی که در تعریف آن حضرت آمده، چنین است: «کان رسول الله ﷺ کثیر المشاورة لاصحابه» (سیوطی، ۱۴۱۶، ص ۷۳)؛ پیامبر با یارانش زیاد مشورت می‌کرد. از نمونه‌های آن می‌توان به مشورت‌های حضرت در اغلب جنگ‌ها مانند جنگ بدر، احد و احزاب اشاره کرد (ر.ک: ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۹-۲۰۴).

یک هم‌رأی مطلوب، باید ویژگی‌هایی داشته باشد تا بتواند در تربیت سیاسی مورد توجه قرار گیرد. نشانه‌های وارده در این زمینه، برخی ناظر به مشاوران است که بیانگر اهمیت شخص مشاور است و برخی دیگر به خود مقوله مشورت نظر دارد. امام صادق ﷺ درباره فردی که مورد مشورت قرار می‌گیرد، احراز چهار شرط عقل، تدین، برادری و رازداری را لازم دانسته است (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۹۸). امام علی ﷺ در نامه به مالک، ویژگی‌های مهمی را برای مشاور در نظر گرفته است:

بخیل را در مشورت کردن دخالت نده، که تو را از نیکوکاری باز می‌دارد و از تنگدستی می‌ترساند. ترسو را در مشورت کردن دخالت نده، که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کند. حریص را در مشورت کردن دخالت نده، که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد. همانا بخل و ترس و حرص، غرایز گوناگونی هستند که ریشه آن‌ها بدگمانی به خدای بزرگ است (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

براین اساس تربیت باید بتواند جوانان جامعه اسلامی را از بخل، ترس و حرص پاک نگاه دارد. مشورت سیاسی تمایز آشکاری با اظهارات تصنعی، متملقانه و فریبنده دارد که همه این ویژگی‌ها خصیصه حقیقت‌خواهی مشورت را می‌گیرد. از این رو لازم است جوانان در تربیت سیاسی به گونه‌ای

پرورده شوند که از تصنع و ریاکاری پیراسته گردند. جوانان جامعه اسلامی باید از همان ابتدا درکی صحیح از مشورت داشته باشند و مرز واضحی میان این مؤلفه دینی و تملق‌های سیاسی که بخشی از فرهنگ سیاسی را تشکیل می‌دهد، ترسیم کنند. امیرالمؤمنین به مالک اشتر سفارش می‌کند که نزدیک‌ترین فرد به شما باید کسی باشد که تلخی حق را با صراحت هرچه بیشتر به شما برساند (همان) و چنین است که امام صادق علیه السلام بهترین دوست را کسی می‌داند که عیب‌های شخص را به وی بگوید (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۶۸۷).

تربیت در نظام سیاسی مبتنی بر دین آشکارا را باید میان فرهنگ سیاسی سلطنت و استبداد و نظام مبتنی بر دین تمایز بگذارد. امام علی علیه السلام خطاب به مردم فرمود:

پس با من چنان‌که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند، حرف نزنید و چنان‌که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند دوری نجوید و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید و گمان میرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید، بر من گران آید، یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم؛ زیرا کسی که شنیدن حق، یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن، برای او دشوارتر خواهد بود. پس از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴).

۳-۴. انتقال تجربیات سیاسی

تجربیات افراد در حوزه سیاست بخشی از علم سیاست است؛ به‌ویژه در ابعاد عملی و کاربردی تر سیاست. سیاست رابطه نزدیک با مهارت دارد و تجربه در آن مهم است. تجربیات سیاسی شهروندان به‌ویژه از سوی مسئولان سیاسی که در حوزه‌های سیاسی دست‌وپنجه نرم کرده‌اند، می‌تواند برای شهروندان دیگری که به‌تازگی به این حوزه‌ها روی آورده‌اند سودمند و نتیجه‌بخش باشد. در قرآن کریم در مواردی بسیاری به عبرت گرفتن از سرگذشت پیشینیان توجه داده شده است (برای نمونه، ر.ک: دخان، ۲۵-۲۹). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «در تجربه دانشی تازه نهفته است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۲). همچنین از امام حسین علیه السلام روایت شده است که تجربه‌های طولانی سبب افزایش خرد می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۱۲۸).

نتیجه‌گیری

زندگی مدنی بستر شکوفایی استعدادهای انسانی و فراهم‌کننده زمینه‌های دستیابی انسان به کمال است. این مهم زمانی حاصل می‌شود که سیاست و جامعه، شهروندان خود را در نظامی مطلوب

و مبتنی بر حقیقت تربیت کند. حقیقت را باید در منابع و متون دینی جست و جو کرد که هدف از القای آن به انسان نیز هدایت و تأمین سعادت اوست. نظام سیاسی برای رسیدن به چنین مطلوبیتی، اهدافی را در حوزه سیاست و با استفاده از منابع دینی تعریف می‌کند. اهداف تربیت سیاسی از همان آغاز زندگی انسان آغاز می‌شوند. هر چند در ابتدا تربیت سیاسی از حوزه سیاست آغاز نمی‌کند، اما به گونه‌ای غیر مستقیم در ارزش‌ها و هنجارهای بسیطی که کودکان با آن رو به رو می‌شوند، حضور دارد. در اواخر دوره کودکی و آغاز دوره نوجوانی فعالیت‌های بسیط سیاسی به طور مستقیم در اهداف تربیت سیاسی وارد می‌شوند و به مثابه تحول و تثبیت شخصیت فرد، این ارزش‌ها و هنجارها نیز در او تثبیت می‌گردند. دوره جوانی دوره فعالیت‌های آرمان‌گرایانه سیاسی است که جوان با شور و شوق جوانی با حوزه سیاست درگیر می‌شود و تربیت سیاسی در این برهه بیش از پیش نمود می‌یابد. در واپسین مرحله که دوره بزرگسالی است، نظام تربیت سیاسی می‌کوشد فرد را آماده مسئولیت‌های سیاسی گرداند و همچنان مراقب اوست که بتواند مسئولیت خود را به بهترین وجه انجام دهد. در این زمان سیاست بخش از زندگی اجتماعی اوست و تبادل نظر و افکارش در بهتر شدن حوزه سیاست اثر تعیین‌کننده دارد. تربیت سیاسی می‌کوشد از تجربه‌ها و اندوخته‌های شهروندان خود به عنوان منبعی در سیاست عملی استفاده کند و چنین است که این تجارب با ارزش به دیگر شهروندان و فعالان سیاسی انتقال می‌یابد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی. قم: مشهور.
۳. آموزگار، محمدحسن (۱۳۷۶). اسلام و تربیت عقلانی و اجتماعی. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ هشتم.
۵. ابن هشام، عبدالملک (بی تا). السیره النبویه. تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی. بیروت: دار المعرفة.
۶. احمدی، احمد (۱۳۶۸). اصول و روش های تربیت در اسلام. تهران: جهاد دانشگاهی. چاپ دوم.
۷. احمدی، علی (۱۴۲۶). مکاتیب الأئمة علیهم السلام. قم: دار الحدیث.
۸. تمیمی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹). حکمت اصول سیاسی اسلام. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۱۰. حر عاملی، محمد (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۱. حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
۱۲. حکیمی، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۰). الحیاه. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. دبس، موریس (۱۳۷۴). مراحل تربیت. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. دیلمی، حسن (۱۴۰۸). أعلام الدین فی صفات المؤمنین. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۵. راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.
۱۶. ری شهری، محمد (۱۳۸۵). حکمت نامه کودک. قم: دارالحدیث.
۱۷. سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶). تفسیر الجلالین. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
۱۸. شهید ثانی، زین الدین (۱۴۰۹). منیة المرید. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۱۹. صدوق، محمد (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: کتابفروشی داوری.
۲۰. صدوق، محمد (۱۴۰۶). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الرضی. چاپ دوم.
۲۱. صدوق، محمد (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ دوم.
۲۲. طبرسی، حسن (۱۳۷۰). مکارم الأخلاق. قم: دار الشریف الرضی. چاپ چهارم.

۲۳. طریحی، محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی. چاپ سوم.
۲۴. کاظمی، یحیی (۱۳۷۷). آموزش و پرورش در دوره خردسالی تا جوانی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۵. کلینی، محمد (۱۴۲۹). الکافی. قم: دارالحدیث.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ دوم.
۲۷. مشکینی، علی (۱۴۲۴). تحریر المواعظ العددیه. قم: الهادی. چاپ هشتم.
۲۸. مفید، محمد (۱۴۱۳). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
۲۹. منصور، جواد (۱۳۷۹). آموزش و تربیت سیاسی. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۳۰. مهرداد، هرمز (۱۳۷۶). جامعه‌پذیری سیاسی. تهران: پاژنگ.
۳۱. یعقوبی، محمد (بی تا). تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی